

خمینی که بود؟

استعمار و نفوذ انگلیس در ایران به زمان کریم خان زند میرسد (۱۷۶۳ برابر با ۱۱۴۲) دولت استعماری انگلیس و کمپانی هند شرقی هرگز بیگدار به آب نمی‌زدند. قبل از اعزام مامورانشان در مورد جنبه های حکومتی، سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی، مراکز قدرت، قبیله ها، افراد متنفذ، جاه طلب و ماجراجو و گروه های مخالف دولت، احزاب سیاسی آنها اطلاعات دقیق بدست می‌آوردند و هنوز بدون مطالعه بیگدار به آب نمی‌زنند. نتایج حاصله توسط طراحان، تنظیم کنندگان خط مشی سیاسی استعمار انگلیس، با استفاده از ابزار و وسایلی که توسط ماموران و سازمانهای امنیتی ارائه میشوند دست بکار میگردند.

معصومعلیشاه دکنی شاید اولین جاسوس و مشهورتینشان بوده که در زمان کریم خان در شیراز به کار مشغول شده. او بکار درویشی میپرداخت. جالب اینجاست که اگر دنباله هرکدام از صوفیان را که خود را مرشد راه طریقت مینمایانند را بگیریم به همین معصومعلیشاه دکنی خواهند رسید و دم خروس در آنجا پیدا خواهد شد. زیرا از آنجا به بعد به کمپانی هند شرقی میرود و به هندوستان ختم میشود.

معروف ترین اینان شاه نعمت الله ولی است که در یزد دنیا آمده و در ماهان کرمان بسال ۱۴۲۸ وفات نموده است. در روایت است که خواجه شمس الدین محمد (حافظ شیراز) در سفر شاه نعمت الله ولی حاضر بدیدن او نمیشود.

جانشین معصومعلیشاه دکنی شخصی بنام محمد علی بن عبدالحسین معروف به نام طریقتی نور علیشاه که از کرامات وی خلق نان داغ و کباب داغ از عالم غیب بوده است. این هم از همان نمونه است که عده ای تصویر جناب خمینی را در ماه دیده اند، درحالیکه نورعلیشاه کباب را از زیرتخت و مسند خویش بیرون میآورد.

از اسنادی که در دست است بر میآید که نورعلیشاه از پولهای فراوانی که از منابع نامرئی و امداد های غیبی باو میرسید زندگی شاهانه ای بهم زده بود.

فراماسون ها از پاره ای جهات با متصوفین و طبقات صوفیه بی شباهت نیستند عده زیادی از فراماسون های قدیمی ایران از بین صوفیان بوده اند در صوفیه سلسه طبقات مرید، مرشد و خانقاه است و در فراماسون شاگرد، استاد و لژ. طریقت نعمت الهی که توسط معصومعلیشاه دکنی و نور علیشاه پایه گذاری شد از نوع هندی با شباهت فراموشخانه ای بوده است که با چهار فاصله به حاج میرزا حسن اصفهانی ملقب به صفی علیشاه رسیده است. بعد از صفی علیشاه توسط ناصر خان ظهیر الدوله ملقب به صفا علی با نام انجمن اخوت از حالت کاملاً مخفی به صورت نیمه مخفی در آمده است.

سید احمد هندی که از هند به ایران اعزام شد در کسوت دوریشی در تشکیلات فراماسونی با سید مصطفی هندی همکاری داشته است. که ظاهراً این نشانه های مربوط به نوعی تصوف الهام بخش اشعار عرفانی منصوب به خمینی است که در سالهای آخر عمر و پس از مرگش سر از روزنامه ها در آورد.

جاسوسان و ایادی انگلیس از سال های بعد از ۱۸۳۰ میلادی، بدون هیچگونه مانع و مشکلاتی به ایران وارد میشدند روسای قبائل و متنفذین محلی را به یاغیگری و ضدیت با دولت ایران تشویق میکردند. این دسایس وقتی بر ملا میشود که محمد شاه برای سرکوبی افغانه به خراسان میرود، سال ۱۸۳۷.

گلبایگان دو تابعه داشت؛ خوانسار و خمین. سید دین علی شاه پسر بنام سید احمد داشته که در بین سالهای ۱۸۲۴ و ۱۸۳۴ از کشمیر به عتبات نجف و کربلا مسافرت میکند. سید احمد در آنجا با یوسف خان آشنا میشود که از اهالی روستای فرفهان از توابع خمین بوده است.

یوسف خان از سید احمد جد خمینی دعوت میکند تا به خمین برود. درست در همین ده سالی که مسافرت های اشاره شده انجام میشده انگلیس نقشه های استعماری در سر داشته تا ایران را تضعیف نماید. از جمله جدا سازی قسمتی از جنوب غربی ایران زیر نام کشور بختیاری را میتوان نام برد. این تاریخ ها توسط مرتضی پسندیده برادر خمینی و کتابی که توسط سر دنیس رایت نوشته شده و به سفیری سرهنگ جان ماکدانلد که از هند شرقی به ایران منصوب شده بود اشاره دارد و سال ۱۸۲۴ را قید مینماید. و در سال ۱۸۳۴ دولت انگلیس تصمیم میگرد اعزام نماینده به ایران از لندن باشد. در مدت ده سال اعزام جاسوس به ایران از هند صورت میگرفت، تعداد زیادی جاسوس که از عوام بودند نیز در میان آنان دیده میشود. در این مدت عده زیادی به صورت ملا، سید و درویش به ایران اعزام شده اند. با توجه به اشاره مرتضی پسندیده با این تاریخ ها و اشاره او به قباله و اسناد نشان از این دارد که جد این طایفه به عنوان جاسوس وارد

ایران شده اند. سید احمد هندی در این فاصله ده سال که اوج جاسوسی انگلیس در ایران بوده به ایران اعزام شده است. این نکته نسبت به روشن بودن تابعیت انگلیسی سید احمد شبیهه ای باقی نمیگذارد.

شواهد موجود نشان میدهد که سید هندی پدر بزرگ خمینی به منظور جاسوسی به داخل ایل بختیاری اعزام شده بوده تا مقدمات شورش بختیاری ها را فراهم نماید. از قرار شواهدی که در دست است مسافرت اوستین هنری لایارد به منطقه بختیاری در سال ۱۸۴۰ بر اساس داده های سید احمد و برنامه ریزی های انتلیجنت سرویس صورت گرفته بوده است.

این درویشان در هر زمان ضمن علی، علی گفتن هواسشان به صحبت ها و تماس های مردم بوده است. گلپایگان مرکز اداره درویشان و جاسوس خانه های انگلیس بوده که ظاهرا یک افسر انگلیسی که خود در کسوت درویش بوده این مرکز را اداره میکرد است. از قرار در همان سالهایی که جد خمینی به جاسوسی اشتغال داشته یک جاسوس یهودی انگلیسی بنام درویشعلی در میان عشایر نفوذ کرده و زن بختیاری اختیار نموده و به ماموریت جمع آوری اطلاعات مشغول بوده.

سید احمد، جد خمینی دو زن داشته یکی بنام های شیرین خانم که دختر شخصی بنام عابد گلپایگانی بوده ولی هر دو همزمان در ۲۸ ژانویه ۱۸۳۹ مهریه خود را به سید احمد صلح کرده اند. از آنجا که سید احمد آدم بیکاره ای میبوده شکی نیست ولی در آمدی داشته که توانسته قلعه ای را در خمین خریداری نموده و در کنار آن زندان بسازد!

شکی نیست که سید احمد هندی به تحریک خوانین بختیاری مخصوصا خوانین هفت لنگ به حمایت محمد تقی خان پسر علیخان کنسوری بختیاری شورش بین ایل بختیاری را دامن زده است.

از جد خمینی به عنوان السید احمد الهندی نیز یاد کرده اند. همه فکر میکردند که بدلیل بدنام کردن او این نام را به او نسبت میدند بهمین جهت همینکه در سال ۱۳۵۶ مقاله ای جنجال بر انگیز تحت عنوان ارتجاع سرخ و سیاه در مورد خمینی منتشر گردید مردم قم و مشهد را بخشم آورد. ولی یکسال بعد برادر خمینی (مرتضی پسندیده) طی مصاحبه ای در روزنامه اطلاعات به هندی بودن پدرش اقرار نمود.

آئین سیک ها ی هندی بدون شک با طریقت نعمت الهی ها ارتباط داشته و مخصوصا که صفی علیشاه مدت ها در هند اقامت داشته و پس از مراجعت انجمن اخوت را براه انداخته که نمایشی از همان کار آموزی های مستعمره های انگلیسی میباشد.

نکته دیگری که هندی بودن خمینی و ارتباط او را با انگلیسی ها و فراماسون ها ثابت میکند تشابهی است که بین آرم جمهوری اسلامی و آرم سیک های هندی و آرم انجمن اخوت وجود دارد. نشانه هائی از شمشیر، گونیا و پرگار که در نشان های فراماسونی یافت میشوند در نشان جمهوری اسلامی بوضوح دیده میشوند.

سید مصطفی هندی پدر خمینی توسط عده ای اوباش که ارتباطی هم با دستگاه حاکمه آن زمان نداشتند کشته شد. وی که تابعیت انگلیسی داشت مقامات سفارت انگلیس را سخت بر آشفت. سفارت علیه به این عنوان که وی تبعه انگلیسی بوده به دولت ایران اعتراض کردند و دستگیری قاتل و یا قاتلین را خواستار شدند و مقامات دولت را تحت فشار گذاشتند.

بطوریکه مشاهده شده قتل یکنفر هندی از اتباع انگلیس در خمین نه تنها قاتل را که از خوانین منتفذ خمین میبوده را به مجازات کشتن بدون محاکمه میکشاند بلکه یک خان مقتدر دیگر را هم به گناه مخالفتی که با مقتول داشته زجر کش میکنند و بازماندگان مقتول کلیه املاک و اموال خان قاتل را نیز به میل خود به اختیار خویش ضبط میکنند.

برای آگاهی بیشتر از جزئیات زندگی جد و خانواده خمینی سفارش میشود به کتاب خاندان امام خمینی به همت کاونده گرامی آقای مهدی شمشیری مراجعه نمایید.

برای آگاهی بیشتر به تار نمای www.iranalliance.org مراجعه کنید.

خلاصه شده از کتاب: